

دکتر مهدی غروی

معاون رایزنی فرهنگی شاهنشاهی درهند

## حمیده بانو بیگم همسر همایون پادشاه و نواده احمد ژنده پیل

قطبی که به قطبین فلک داشت پیام  
شیران هوس را به ادب کرده لجام  
از بیشه دل هژیر سرمست خرام  
دریا کش عشق زنده فیل احمد جام

نقل از ص ۲۱ اکبر نامه در باره حمیده بانو

حمیده بانو بیگم بالقب «مریم‌مکانی» از معروفترین زنان منسوب به خاندان بابر هند است و همان کسی است که با همایون پادشاه به ایران آمد و مدتی قریب به یکسال همراه باشوهرش در پناه شاه طهماسب بسر برد و پادشاهزاده سلطان خواهر مقتدر و کاردار شاه طهماسب دوست شد. نام حمیده بانو با ساختن مقبره معروف همایون در دهلی، در تاریخ هند اسلامی جاودان شد. بابریان هند نسبت به احمد ژنده پیل، شیخ جام ارادت فوق العاده داشتند، و این ارادت البته شامل حال جامی شاعر معروف عصر طلائی گورکانیان هرات نیز میباشد. اهل ادب می‌دانند که جامی از تربیت جام‌زاد گاه شیخ برخاسته بلکه نیایش از اصفهان به خراسان آمده و در خرجرد جام که شهرک دیگری از خراسان بوده است اقامت گزیده و از لحاظ زمان نیز در حدود چهار قرن پس از عارف ژنده پیل می‌زیسته است اما آنچه مسلم است اینست که این هر دو بزرگوار که به دو جام خراسان منسوب بوده‌اند مورد احترام خاندان تیمور قرار داشته‌اند و عزت و احترام جامی در هرات از هر شاعری در هر عصری از تاریخ بیشتر بوده است و تصویر قلمی وی را که هنرمند نامی هرات بهزاد کشیده بود بابر با خود به هند آورد. بابر در توتوزوک بابر نیز نام جامی را با عزت و احترام ذکر کرده است.

بابر هنگامی که بسیار جوان بود، بمناسبت فوت سلطان حسین بایقرا به خراسان رفت و در خراسان با مظاهر فرهنگ و تمدن ایرانی عصر گورکانیان ایران آشنائی بیشتر حاصل کرد و در همین سفر بود که با دختری از سادات جام بنام ماهم بیگم ازدواج کرد این دختر از نوادگان احمد ژنده پیل بود. پس از این ازدواج بابر به پیروزیهای فراوان نایل گشت. نخستین فرزند وی ازین بانو همایون بود که ولیعهد بابر شد و بابر فرمان داد که پس از آن وی را بابر پادشاه خطاب کنند در حالی که تا این تاریخ وی را میرزا بابر می‌خواندند بابر نسبت به این زن با احترام فوق العاده رفتار می‌کرد و فتوحات هند را مرون صدق و صفا و اتساق وی به خاندان نبوت و شیخ جام می‌دانست و پس از فتوحات بسیار ویرا به هند خواند و هنگام ورودش به دهلی،

پیاده با استقبال وی شتافت و همینکه به وی رسید نگذاشت از اسب پیاده شود و همچنان در کنار اسب پیاده روان شد .

همایون با اینکه مانند هر شاهزاده جوانی، خیلی زود ازدواج کرده بود. فرزند پسر که بتواند و لیمهدوی باشد نداشت و بدون شك همایون در پی فرصت بود که با دختری از خاندان شیخ جام عروسی کند و در نتیجه فرزندش مانند خود وی از جانب مادر نظر کرده باشد. گلبدن خواهر همایون و دوست حمیده بانو که جالبترین کتاب درباره همایون را بنام همایون نامه نوشته است می نویسد که همایون پیش از تولد اکبر به خواب دید که عزیزی سر تا پا لباس سبز پوشیده به وی می گوید که خداوند بتو فرزندی خواهد داد که نامش را باید جلال الدین اکبر بمانی بگذاری و هنگامی که همایون در خواب می پرسد که اسم شریف شما چیست جواب می شنود . ژنده قبل احمد جام .

ازدواج همایون با حمیده بانو بسادگی تمام در دوران تبعید و سرگردانی همایون در نواحی سند صورت گرفت . حمیده همراه با برادرش خواجه معظم در اردوی فراریان از هندو زنان خاندان سلطنتی که به سرکردگی هندال برادر همایون درین ناحیه به همایون ملحق شدند بسر می برد. هنگامی که همایون برای بازدید زنان خاندان باری ازین اردو بازدید می کرد حمیده را دید و پسندید و با اینکه حمیده و هندال هر دو با این ازدواج مخالف بودند و هندال برادر کوچک همایون (از مادر دیگر) می خواست خود حمیده را بگیرد، با مجاهدت و کمک دلدار مادر هندال (مادر همایون، ماهم بگوم درین سفر همراه همایون نبود) این ازدواج عملی شد و همانطور که همایون می خواست نخستین فرزند وی اکبر بود که در سختترین ایام زندگی همایون زاده شد و به وضع معجزه آسائی از جنگال عموهایش رهائی یافت.

تولد اکبر هنگامی صورت گرفت که دشمنان داخلی و خارجی همایون از هر سووی رازیر فشار قرارداد بودند، اما همایون از تمام این بلاها و گرفتاریها سلامت جست و شاید همین تصادفات سبب شد که اکبر که مادر خودش و مادر پدرش هر دو از خاندان شیخ جام بودند در خود احساس تفوق روحانی کند و به پایه گذاری دین الهی پردازد .

متأسفانه رساندن نسب حمیده بانو و ماهم بیگم به شیخ جام امکان پذیر نیست ولی آنچه مسلم است اینست که هر دو نفر از نواده های شیخ جام بوده اند.

نخستین بر خورد همایون با حمیده بانو را گلبدن در کتاب خود بخوبی مجسم ساخته همایون در بر خورد با حمیده می پرسد . ( این چه کس است؟ گفتند که دختر میر با با دوست و خواجه معظم رو بروی حضرت ایستاده بود گفتند این پسر بما خویش می شود حمیده بانو بیگم را گفتند که آنهم خویش ماست) بدیهی است مقصود همایون نسبتی است که میان ماهم بیگم مادرش و حمیده وجود داشته که هر دو از خاندان شیخ جام بوده اند .

پدر حمیده با دو نام مختلف خوانده شده است. میر با با دوست و شیخ علی اکبر. جامی نویسنده کتاب تحقیقی و جامع زندگی و عصر همایون میر با با دوست و شیخ علی اکبر را یک نفر می داند معتقد است که میر با با دوست فقط می تواند لقب باشد، لقب شیخ علی اکبر - در تذکره واقعات جوهر نیز شرح ملاقات همایون و حمیده بانو آورده شده در جواب سوال همایون که می پرسید

این دختر کیست ، شاید دلدار جواب می‌دهد : از نواده‌های شیخ احمد ژنده‌پیل دختر شیخ علی‌اکبر که معلم میرزا هندال است .

خواجه معظم برادر کوچک حمیده بانو بوده و حمیده را ماه پیچم یعنی ماه مادر که مفهوم آن خواهر بزرگ بوده است می‌خوانده ، نظام‌الدین احمد و جوهر هر دو نفر معظم را پسر شیخ علی‌اکبر می‌دانند و در کتب خود ویرا خال اکبر ذکر کرده‌اند ، مآثر الامرا ویرا برادر تنی حمیده می‌داند در حالیکه ابوالفضل در اکبر نامه ویرا برادر بطنی حمیده می‌داند .

نام شیخ علی‌اکبر هیچ‌جا جز هنگام ذکر حمیده دیده نشده اما نام میربابا دوست زیاد آورده شده و باین نیز در خاطرات خود (باینر نامه) آنرا ذکر کرده است .

شیخ علی‌اکبر یامیربابا دوست معلم یامربی هندال بوده است ، صاحب تذکرة الواقعات از قول دلدار خطاب به همایون ، هنگام معرفی حمیده می‌نویسد :

«پدرایشان درسه کلمه جهت تبرک و تیمن بامیرزا هندال سبق فرمودند از آن جهت باما

همرا اند .»

باینکه ماهم بیگم و حمیده بانو هر دواز نوادگان شیخ احمدجام بوده‌اند نمی‌دانیم که این دو بانوی ایرانی جزین چه نسبتی باهم داشته‌اند ، گلبدن درین مورد ساکت است ، قدر مسلم نیست که عده نوادگان شیخ‌جام در دربار اکبر از شماره انگشتان دست بیشتر بوده از جمله خود اکبر .

حمیده در سن چهارده سالگی در ناحیه پات‌سند عروسی کرد (تابستان ۱۰۴۱) توقف همایون در سند یکسال شد زیرا نمی‌دانست چه بکند و به کجا برود ، سرانجام چون از طرف حکام سند نیز تهدید شد ، عازم افغانستان گردید در اوآخرا سال ۱۰۴۲ در ناحیه عمر کوت اکبر بدنیآ آمد ، هنوز کودک خردسال یکساله نشده بود که همایون و حمیده که غافلگیر شده بودند ، ویرا رها کرده عازم ایران شدند . در سیستان و خراسان بدستور شاه طهماسب از همایون و حمیده به بهترین وجهی پذیرائی شد ، در سیستان حکمران برای اینکه حمیده تنها نباشد دستور داد که زن و مادر زنتش همیشه در خدمت وی باشند .

همایون باتشریفات واحترامات فوق‌العاده به هرات رفت ، در تربت‌جام برای زیارت قبر شیخ توقف کرد و در مشهد از بارگاه امام هشتم زیارت بعمل آورد و در جمادی سال ۹۵۱ در چمن‌سلطانیه بخدمت شاه رسید .

در قزوین شاه به بهترین وجه از ایشان پذیرائی کرد و بخصوص شاهزاده سلطانم‌خواهر شاه با حمیده بسیار گرم گرفت . حمیده خاطرات خود را از سفر ایران برای گلبدن نقل کرده و وی آنها را در کتاب خود آورده است ، از جمله می‌نویسد که روزی شاهزاده در خارج از شهر قزوین مجلس مهمانی مفصلی ترتیب داد . درین مجلس خواهر شاه از حمیده درباره بزرگی و آبادی هندسؤال می‌کند ، امادریں مورد عمه‌وی که سمت بزرگی در خانواده صفوی داشت بوی به تندگی پاسخ می‌دهد که این چه سؤالیه است ، هند از هر لحاظ از ایران بزرگتر است اگر ایران دودانگه باشد هند چهاردانگ است . بدیهی است این پاسخ را از لحاظ مهمان‌نوازی و فروتنی در مقابل مهمان که ایرانیان بدان معروف‌اند می‌دهد که مبادا حمیده ازین پرسش ملول شود .

حمیده در بازگشت به ایران هنگامی که به سبزوار رسید دختری پیدا کرد و ناچار شد که از همایون جدا شود و مدتی در خراسان بماند .

در اواخر سال ۱۵۴۵ م حمیده فرزندش اکبر را که سه چهار ساله بود دید. در دوران دوم سلطنت همایون ملکه وی حمیده با نوصاحب قدرت و نفوذ فوق العاده بود و پس از مرگ همایون نیز دربار امپراتور اکبر حمیده بانوی اول خاندان بابر بود و هنگامی که سلیم فرزند اکبر (جانشین وی بنام جهانگیر) قیام کرده شکست خورد با وساطت حمیده و گلبدن مورد عفو قرار گرفت.

چادر حمیده و گلبدن در جوار چادر اکبر برافراشته می شود هر دو بیک نسبت از هدایای اکبر بهره مند می شدند و بقول ابوالفضل غذای افطار اکبر از آشپزخانه حمیده می رسید. حمیده با نو در سن ۷۷ سالگی فوت کرد در حالی که ۶۴ سال از تاریخ عروسی وی می گذشت فقط ۱۴ سال از آن را با همایون زندگی کرده بود، بدن حمیده را با عزت و احترام در کنار قبر شوهرش در آرامگاه محل وی در دهلی به خاک سپردند .

برای تهیه این مختصر ازین کتابها استفاده شده است .

۱ - بابرنامه یا خاطرات بابر که خود بابر به ترکی جغتائی نوشت و عبدالرحیم خان خانان در سال ۹۹۸ به فارسی ترجمه کرد نسخه خطی کتابخانه موزه ملی دهلی.

۲ - تذکرة الواقعات جوهر ( آفتاب چینی همایون ) که همراه همایون به ایران آمد نسخه خطی کتابخانه خدا بخش پتنا

۳ - همایون نامه ، گلبدن خواهر همایون - نسخه منحصر بفرد موزه بریتانیا - چاپ

لندن ۱۹۰۲

۴ - اکبرنامه ، ابوالفضل چاپ هند، ج اول. علوم اسلامی

۵ - عصر و زندگی همایون، ایشواری پراساد، چاپ الله آباد هند.

